

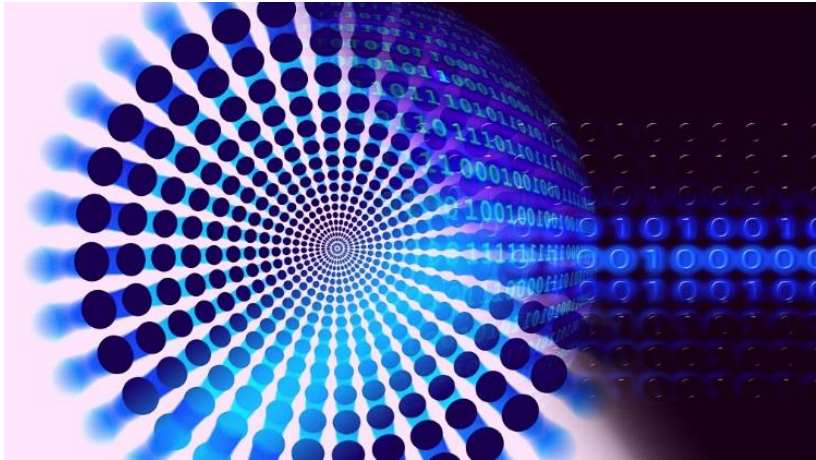
<https://www.pecritiue.com>

فصل اقتصاد سیاسی  
اسفندماه ۱۴۰۲

# بیایید تکثیر شویم

مقدمه‌ای بر کتاب «فمینیسم داده»

امیر حسین پی‌براه



یکی از نخستین سؤال‌هایی که ممکن است با دیدن نام این کتاب از ذهن بگذرد این است که دو کلمه‌ی «فمینیسم» و «داده» چه نسبتی با یکدیگر دارند و در کنار هم نشستن آن‌ها در عنوان «فمینیسم داده» به چه معناست. در این یادداشت سعی می‌کنم با اشاره به بخش‌هایی از متن کتاب، چکیده‌ی مفهوم این عبارت را بیان کنم. اما پیش از آن باید توضیح دهم که چرا این کتاب را برای ترجمه انتخاب کردم.

اولین دلیل من برای انتخاب این کتاب، تلاش آن برای شنیده‌شدن صدای افراد در حاشیه بوده است، افرادی که به هر دلیل در اقلیت قرار گرفته‌اند و علم داده یا آن‌ها را ندیده، یا دیده و از آن‌ها گذشته و به این ترتیب به آن‌ها جفا کرده است. دلیل دیگرم برای انتخاب این کتاب، نقد و موضع‌گیری صریح نویسندگان نسبت به خودشان بوده، نسبت به دو استاد سفیدپوست که در موقعیت‌های ممتاز دانشگاهی قرار دارند. نقد و موضع‌گیری در برابر جهانی که شرایط را به نفع آن‌ها اما به هزینه‌ی دیگران ساخته است و حفظ موقعیت خود، مانع آن‌ها برای نقد ساختارهای قدرت نشده است. به عبارتی، آن‌ها فرش از زیر پای خویش کشیدند و با نقد امتیازاتی که خود از آن‌ها برخوردار بودند، ساختار قدرت را در علم داده با سؤال‌های جدی روبرو کردند.

امیدوارم که خواندن این کتاب چشم‌انداز جدیدی را در مواجهه با داده و علم داده با رویکردی انتقادی، پیش روی خواننده قرار دهد. و در نهایت، با توجه به باور خود مبنی بر این‌که هر دانشی که تولید می‌شود، نتیجه‌ی زحمت دستان بی‌شماری بوده است (که بسیاری از آن‌ها هرگز دیده نمی‌شوند)، و با اعتقاد به این‌که آن دانش تولیدشده به همه تعلق دارد و باید در اختیار همگان قرار گیرد، ترجمه‌ی این کتاب به‌رایگان روی وب قرار داده شده است.

اما فمینیسم داده چیست؟ فمینیسم داده فقط در مورد زنان نیست، فمینیسم داده فقط برای زنان نیست، و فمینیسم داده فقط در مورد جنسیت نیست. فمینیسم داده برای تمام کسانی است که به‌نوعی با داده کار می‌کنند و می‌خواهند بیاموزند که چگونه از دریچه‌ی تفکر انتقادی می‌توان به داده و علم داده نگاه کرد تا در جهت عدالت پیش بروند، و به همین ترتیب فمینیسم داده برای کنش‌گرانی است که می‌خواهند بیاموزند که چگونه می‌توانند از علم داده در فعالیت‌های اجتماعی خود بهره ببرند. با توجه به این رویکرد، آرمان «فمینیسم داده» را در می‌توان این عبارت خلاصه کرد:

«رهایی مشترک»، رهایی انسان‌ها از ساختارها و مناسباتی که آن‌ها را در بند کشیده و «از خودبیگانه» کرده است. از خودبیگانگی، همان محصول نظامی است که تولید «سود» در آن والاترین ارزش‌ها را دارد. نظامی که در آن صاحبان قدرت و افراد تحت ستم، هر دو، در چرخه‌ی تولید سود گرفتار هستند.

گریز از این بیگانگی میسر نمی‌شود، مگر در تلاشی هم‌سو برای رسیدن به رهایی مشترک، و کلید این رهایی در تعهد و باور به منفعت متقابل، هم از طرف اعضای گروه‌های مسلط و هم از طرف گروه‌های تحت سلطه است. این همان مفهوم «مشترک» در رهایی مشترک است. مارکس در این زمینه به ما یادآور شده که چگونه رهایی صاحبان سرمایه به رهایی کارگران گره خورده و توانا پتی، کنش‌گر ضد تبعیض نژادی، گفته است: «ما نیاز داریم که سفیدان عمیقاً به این باور برسند که رهایی آن‌ها، انسانیت آن‌ها، وابسته به نابودی تبعیض نژادی و از بین رفتن برتری سفیدان است». مردان نیز باید به این نکته بیندیشند که چگونه روابط جنسی نابرابر در نهادهای تحت سلطه آن‌ها به همه آسیب می‌رساند، از جمله خود آن‌ها، و رفع آن نابرابری‌ها به نفع همگان است. همچنین این نقل قول از فعالان بومی کوئینزلند استرالیا را بسیار دوست دارم که خطاب به کنش‌گرانی که در دهه‌ی ۱۹۷۰ به آن‌جا آمدند، گفته بودند: «اگر این‌جا آمده‌اید تا به من کمک کنید، وقت خود را تلف کرده‌اید. اما اگر به این دلیل آمده‌اید که رهایی شما به رهایی من گره خورده است، آن وقت بیایید با هم کار کنیم».

نقطه‌ی عزیمت فمینیسم داده برای گسستن این بندها و حرکت به سوی رهایی مشترک اذعان به این نکته است که در جهان امروز، «داده» و سیستم‌های مبتنی بر داده، «قدرت» هستند و این قدرت به‌طور متوازن در اختیار همگان قرار ندارد. صاحبان داده و سیستم‌ها، اغلب مردانی با تحصیلات دانشگاهی، سفید، سیس‌جندر، توانا از نظر جسمی و ذهنی، و از شمال جهانی هستند، و فمینیسم داده در پی آن است که عملکرد علم داده‌ای که این بی‌عدالتی‌ها را تقویت می‌کند، بشناسد و با استفاده از همان علم داده، آن عملکردها را به چالش بکشد و تغییر دهد. در این‌جا، اشاره به این نکته مهم است که فمینیسم داده، شکلی از «فمینیسم تقاطع‌گرا» است که به ما یادآوری می‌کند تجربه و فرصت‌های هر فرد در جهان، برآیندی است از تلاقی ابعاد گوناگون هویتی آن

فرد، از جمله نژاد، طبقه، جنسیت، هویت جنسی، توانایی جسمی و ذهنی، سن، مذهب، جغرافیا و موارد دیگر. و درک این دیدگاه تقاطع‌گرا در شناخت بی‌عدالتی‌های برآمده از علم داده حیاتی است.

فمینیسم داده همچنین به این مساله اشاره می‌کند که داده و سیستم‌های مبتنی بر داده، خنثی و بی‌طرف نیستند و تشخیص سوءگیری‌ها و نیروهای سلطه که از آن‌ها سود می‌برند کار دشواری است. در این‌جا طرح سؤال‌های «چه کسی» می‌تواند ما را در شناخت آن نیروها و سوگیری‌ها کمک کند: چه کسانی داده‌ها را جمع‌آوری می‌کنند؟ داده‌های چه کسانی جمع‌آوری می‌شود؟ چه کسانی از آن داده‌ها سود می‌برند؟ اولویت‌های چه کسانی به محصول داده تبدیل می‌شوند؟ نیازهای چه کسانی نادیده گرفته می‌شوند؟ و بسیاری سؤال‌های دیگر. هدف از طرح این سؤال‌ها، تنها درک نیروهای سلطه و شناخت سوگیری‌ها نیست، بلکه به چالش کشیدن و تغییر مناسباتی است که سازنده و تقویت‌کننده‌ی آن‌ها است. رویکرد رایج در مواجهه با بی‌عدالتی‌های برآمده از علم داده، مرتبط کردن آن‌ها به خطاهای فردی یا سیستمی است. اگرچه مطمئناً خطاهای فردی و سیستمی وجود دارند و مهم هستند، اما فمینیسم داده، معتقد است که سلطه، ستم، و سوگیری‌های نهفته در داده و سیستم‌های داده، ریشه‌ای تاریخی و اجتماعی دارند و برای شناخت و حل آن مشکلات باید دلایل آن‌ها را در بطن تاریخ، روابط اجتماعی، و مناسبات قدرت جستجو کرد و سپس با درک آن‌ها به بازاندیشی در علم داده و بازسازی آن پرداخت. ارائه‌ی راه‌حل، بدون در نظر گرفتن این موارد، در بدترین حالت ما را به خطا می‌برد و در بهترین حالت، وضعیت موجود را حفظ می‌کند.

با توجه به این نکات، فمینیسم داده رسالت خود می‌داند که با استفاده از علم داده برای رفع کاستی‌های یاد شده در علم داده کوشش کند و به همین منظور، هفت اصل پایه‌ای پیشنهاد کرده است:

۱. قدرت را بررسی کنید. فمینیسم داده، کار خود را با بررسی نحوه‌ی عملکرد قدرت در جهان آغاز می‌کند: با طرح و پرسش سؤال‌های «چه کسی» در مورد علم داده. پرداختن به این سؤال‌ها به درک ما از چگونگی توزیع نابرابر قدرت در حوزه‌های مختلف و نتایج آن کمک می‌کند.

۲. قدرت را به چالش بکشید. فمینیسم داده متعهد به نقد و به‌چالش کشیدن ساختارهای قدرت نابرابر و تلاش در جهت برقراری عدالت است. شرط لازم برای این کار، عبور از رویکردهای منفعلانه‌ای است که با در نظر گرفتن منشأ مشکلات در افراد و سیستم‌ها، یا ما را به خطا می‌برند یا به حفظ وضعیت موجود کمک می‌کنند. در مقابل، فمینیسم داده حرکت به سوی رویکردی‌های فعالانه‌ای را توصیه می‌کند که با درک ناهمسانی‌های قدرت ساختاری، در جهت رفع آن‌ها عمل می‌کنند.

۳. احساسات و جسمیت را ارج نهد. فمینیسم داده به ما می‌آموزد که برای اشکال مختلف دانش ارزش قائل شویم، از جمله دانشی که از مردم، به‌عنوان بدن‌های زنده و حس‌مند به دست می‌آید. احساسات، عاطفه، و بدن‌مندی، جنبه‌هایی از تجربه‌ی زیستی انسان هستند که اغلب به زنان مرتبط دانسته می‌شوند و معمولاً براساس منطق کلیشه‌ای مسلط مردانه، کنار گذاشته می‌شوند. این رویکرد مردسالارانه، بسیاری از جنبه‌های تجربه‌ی انسانی را به نفع صاحبان قدرت حذف کرده و می‌کند، و فمینیسم داده متعهد به تغییر این دیدگاه است.

۴. در ساختارهای دودویی و سلسله‌مراتبی بازنگری کنید. شمارش و دسته‌بندی، بخش‌های مهمی از فرآیند تولید دانش هستند و به همین دلیل ابزار قدرت نیز می‌باشند. از لحاظ تاریخی، شمارش و دسته‌بندی، برای تسلط، ایجاد نظم، و حذف استفاده می‌شده است. از نخستین نمونه‌های این دسته‌بندی‌ها، می‌توان به دسته‌بندی جنسیت دودویی اشاره کرد. فمینیسم داده ما را ملزم می‌کند که جنسیت دودویی و سیستم‌های شمارش و دسته‌بندی که سلطه را تداوم می‌بخشند به چالش بکشیم.

۵. از کثرت‌گرایی استقبال کنید. فمینیسم داده بر این نکته تأکید دارد که کامل‌ترین شکل دانش از ترکیب دیدگاه‌های گوناگون و با اولویت‌دادن به روش‌های شناخت محلی، بومی، و تجربی حاصل می‌شود. یکی از خطرات کار متخصصین با داده‌ها، غریبه بودن آن‌ها با زمینه‌ی محیطی آن داده‌ها می‌باشد. استقبال از کثرت‌گرایی یک رویکرد فمینیستی برای فروکاستن این خطر است که با فراهم کردن بستری برای انتقال دانش و تجربه از اجتماعات نزدیک به داده به متخصصین و برعکس، سعی در عملی کردن آن دارد.

۶. زمینه‌ی محیطی را در نظر بگیرید. فمینیسم داده باور دارد که داده‌ها خنثی و بی‌طرف نیستند. آن‌ها محصول روابط نابرابر اجتماعی و قدرت هستند و در نظر گرفتن زمینه‌ی محیطی داده‌ها برای انجام تحلیل دقیق و اخلاقی آن‌ها ضروری است. منظور از زمینه‌ی محیطی، درک شرایط و محیطی است که داده‌ها در آن جمع‌آوری شده‌اند. با توجه به زمینه‌ی محیطی، فمینیسم داده به ما گوشزد می‌کند که در مواجهه با داده‌ها دقت کنیم که کدام ناهمسانی‌های قدرت باعث سکوت در داده‌ها شده است، یا در خطر افتادن منافع چه کسانی شفافیت داده‌ها را مختل کرده است، و دانش چه کسانی در این میان حذف شده و چگونه می‌توان آن‌ها را بازیابی کرد.

۷. کار خود را آشکار کنید. کار علم داده، همانند تمامی کارها در جهان، نتیجه‌ی تلاش بسیاری از افراد است. فمینیسم داده این کارها را قابل مشاهده می‌کند تا بتوان آن‌ها را شناخت و به ارزش‌شان پی‌برد. در مواجهه با هر داده و سیستمی، باید به این نکته توجه کرد که در این کار به چه کسانی اعتبار داده شده و کار چه کسانی نادیده گرفته شده است. فمینیست داده از علم داده بهره می‌گیرد تا کار افرادی (عمدتاً زنانی) که کارهای بازتولید اجتماعی را انجام می‌دهند، آشکار کند: کارهای عاطفی، کارهای مراقبتی، و کارهای خانگی. آشکار کردن کار، برای اطمینان از اعتباردادن به کارهای نامرئی و کم‌بهداده‌شده، امری ضروری است.

در انتها، با اشاره به سخن نویسندگان کتاب باید گفت که فمینیسم داده هم‌چون عدالت، هم یک هدف و هم یک شیوه‌ی عمل است که ما را در حین حرکت به سوی هدف، که همان ساختن جهانی بهتر و رهایی مشترک است هدایت می‌کند. وجود مشکل و دشواری، بخش جدایی‌ناپذیر این حرکت به سوی عدالت است. پی‌مودن این مسیر و مقابله با مشکلات آن به تنهایی میسر نمی‌شود و هم‌دلی و هم‌راهی همگان را می‌طلبد. پس لازم است که در این راه تکثیر شویم. پس بیایید تکثیر شویم ...

برای دسترسی به متن کامل ترجمه‌ی فارسی کتاب فمینیسم داده به پیوند  
زیر مراجعه فرمایید

<https://data-feminism.mitpress.mit.edu/farsi-translation-home>